

۵۲۴۴۷/۱۴۳.۱۸
۹۴، ۱۱، ۲



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

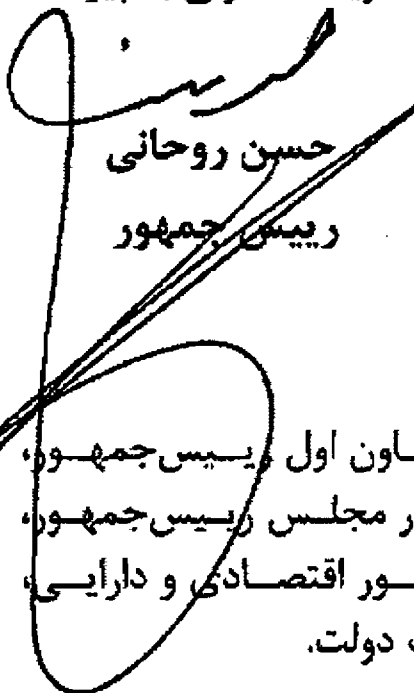
| | |
|------------|------------|
| شماره ثبت: | ۹۴/۱۰/۵۱۸۲ |
| تاریخ ثبت: | ۱۳۹۴/۱۱/۰۲ |
| ساعت ورود: | کد پرونده |

بسمه تعالی

"با صلوات بر محمد و آل محمد"

جناب آقای دکتر لاریجانی
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه "موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد"
که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه ۱۳۹۴/۱۰/۹
هیئت وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی به پیوست
تقدیم می‌شود.


حسن روحانی
رئیس جمهور

رونوشت: دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور،
معاونت حقوقی رئیس جمهور، معاونت امور مجلس رئیس جمهور،
شورای نگهبان، وزارت امور خارجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی،
دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت و دفتر هیئت دولت.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

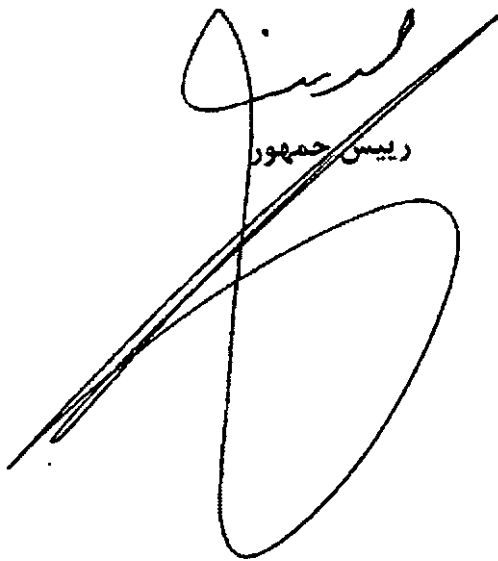
مقدمه توجیهی :

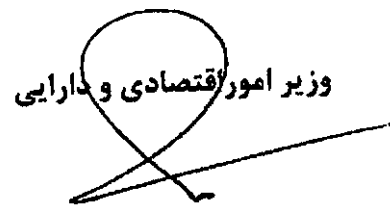
با عنایت به ضرورت گسترش همکاری‌های اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب و لزوم اتخاذ تدابیر قانونی برای اجتناب از اخذ مالیات مضاعف از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در هر دو کشور و با توجه به اهمیت بسزای ایجاد تسهیلات و تمهیدات مربوط و به منظور تضمین تداوم فعالیت‌های اقتصادی و نیز توسعه و ارتقای سطح مناسبات بین دو دولت، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود:

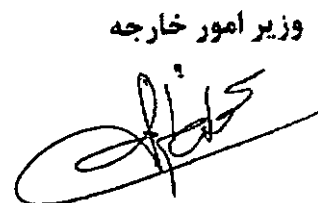
"لایحه موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد"

ماده واحده - موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده، به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره - هزینه های مالی موضوع بند (۴) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.


رئیس جمهور


وزیر امور اقتصادی و دارایی

وزیر امور خارجه


۸۵۱۵۳۳
۱۱/۱۱/۱۳۳۷
۱۱/۱۱/۱۳۳۷

به نام خدا

موافقت‌نامه بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی مغرب به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی مغرب با تمایل به انعقاد موافقت‌نامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاصی مشمول موافقت‌نامه

این موافقت‌نامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولت‌های متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲

مالیات‌های موضوع موافقت‌نامه

۱- این موافقت‌نامه شامل مالیات‌های بر درآمد است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات‌های بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط موسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقت‌نامه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد.

ب: در مورد پادشاهی مغرب:

- مالیات بر درآمد عمومی،

- مالیات بر شرکت‌ها.

۴- این موافقت‌نامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقت‌نامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولت‌های متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳

تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقت‌نامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف: اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا مغرب اطلاق می‌شود.

ب: اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

پ: اصطلاح «مغرب» به پادشاهی مغرب اطلاق می‌شود و از نظر جغرافیایی «مغرب» شامل موارد زیر خواهد بود:

دفتر هیئت دولت

- قلمرو پادشاهی مغرب، دریای سرزمینی آن و،

- مناطق دریایی ماورای دریای سرزمینی، شامل بستر دریا و زیر بستر آن (قالات قاره) و منطقه انحصاری اقتصادی که مغرب حقوق حاکمیت خود را مطابق با قوانین داخلی خود و حقوق بین الملل از لحاظ اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی مناطق مزبور اعمال می کند.

ت: اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت، مشارکت و هر مجموعه دیگری از افراد می باشد.
ث: اصطلاح «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ج: اصطلاح «موسسه» یک دولت متعاقد و «موسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به موسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و موسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد اطلاق می شود.
چ: اصطلاح «حمل و نقل بین المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، یا وسایط نقلیه هوایی اطلاق می شود که توسط موسسه ای که محل مدیریت موثر آن در یک دولت متعاقد باشد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.
ح: اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود،

- در مورد مغرب به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود.

خ: اصطلاح «تبعه» اطلاق می شود به:

- هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را داشته باشد،

- هر شخص حقوقی، مشارکت یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب می نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، در هر زمان، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت، در همان زمان، راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴

مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً بلحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می برد.

دفتر هیئت دولت

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آنرا دارد.

ت: هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولت‌ها را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان براساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولت‌های متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحیت‌دار دولت‌های متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که به موجب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت موثر وی در آن واقع است.

ماده ۵

مقرر دایم

۱- از لحاظ این موافقت‌نامه اصطلاح «مقرر دایم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می‌شود که از طریق آن، موسسه کلاً یا جزئاً به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح «مقرر دایم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

پ: دفتر،

ت: کارخانه،

ث: کارگاه،

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره‌برداری از منابع طبیعی،
چ: بازار فروش.

۳- اصطلاح «مقرر دایم» همچنین شامل موارد زیر است:

الف: کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از (۹) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

ب: ارائه خدمات از جمله خدمات مشاوره‌ای توسط موسسه از طریق کارکنان یا سایر افرادی که به همین منظور توسط موسسه به کار گمارده شده‌اند. اما فقط در صورتی که اینگونه فعالیتها (برای همان پروژه یا پروژه مرتبط با آن) در یک دولت متعاهد برای مدت یا جمع مدت‌هایی بیش از (۶) ماه در هر دوره دوازده ماهه ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقرر دایم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

الف: استفاده از تاسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه.

ب: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به موسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به موسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط موسسه دیگر.

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن موسسه.

ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای موسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزء های (الف) تا (ث)، مشروط بر آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۷) است) در یک دولت متعاهد از طرف موسسه دولت متعاهد دیگر فعالیت کند، آن موسسه در دولت متعاهد

دفتر هیئت دولت

نخست نسبت به هر گونه فعالیتی که آن فرد برای موسسه مزبور انجام می دهد، دارای مقر دایم تلقی خواهد شد، مشروط بر آنکه فرد مزبور:

الف: دارای اختیار انعقاد قرار داد بنام آن موسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دایم تبدیل نخواهد کرد،

ب: دارای چنین اختیاری نباشد، اما به طور معمول در دولت نخست موجودی کالا یا اجناس را نگهداری کند که از طریق آن به طور منظم کالا یا اجناس را از طرف آن موسسه تحویل دهد.

۶- موسسه ای که صرفاً به سبب آنکه در آن دولت از طریق حق‌الملک، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت متعاهد دارای مقر دایم تلقی نخواهد شد مشروط برآنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. معذالک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن موسسه تخصیص یافته باشد و روابط مالی و تجاری بین این عامل و آن موسسه متفاوت از شرایطی باشد که بین موسسات مستقل برقرار است، از لحاظ این بند او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاهد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دایم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دایم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقیات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که مالک سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت یا شخص حقوقی دیگر، مالک آن سهام یا حقوق شراکتی را محقق به استفاده از اموال غیر منقول آن شرکت یا شخص حقوقی دیگر نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از این حق، مشمول مالیات دولت متعهدی خواهد بود که اموال غیر منقول مذکور در آن قرار دارد.

۵- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول موسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

دفتر هیئت دولت

ماده ۷

درآمدهای تجاری

- ۱- درآمد موسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این موسسه از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه موسسه به طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن موسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دایم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت دیگر می‌شود.
- ۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که موسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دایم در هر یک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت موسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از موسسه‌ای که مقر دایم آن است به همان فعالیت‌ها یا مشابه آنها در همان شرایط یا شرایط مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.
- ۳- در تعیین درآمد مقر دایم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد. اعم از آنکه در دولتی که مقر دایم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر. معذالک چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دایم به دفتر مرکزی موسسه یا سایر دفاتر آن بعنوان حق الامتیاز حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازاء استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا بعنوان حق العمل برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت یا بعنوان هزینه مالی وام اعطاء شده به مقر دایم (به استثناء موسسات بانکی) بعنوان هزینه قابل قبول منظور نخواهد شد. همچنین در تعیین منافع یک مقر دایم (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) مبالغ هزینه شده توسط مقر دایم برای دفتر مرکزی یا سایر دفاتر آن بعنوان حق الامتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازاء استفاده از حق انحصاری اختراع یا سایر حقوق، یا بعنوان حق العمل برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت یا بعنوان هزینه مالی وام اعطاء شده به دفتر مرکزی موسسه یا سایر دفاتر آن (به استثناء موسسات بانکی) محاسبه نخواهد شد.
- ۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دایم براساس تسهیم کل درآمد موسسه به بخش‌های مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع بکاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول مندرج در این ماده تطابق داشته باشد.
- ۵- صرف آنکه مقر دایم برای موسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دایم نخواهد بود.
- ۶- از لحاظ مقررات بندهای پیشین، درآمد منظور شده برای مقر دایم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.
- ۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقت‌نامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد کرد.

ماده ۸

حمل و نقل بین‌المللی

- ۱- درآمد حاصل بابت استفاده از کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت موثر موسسه در آن واقع است.

دفتر هیئت دولت

۲- مقررات بند (۱) نسبت به درآمدهای حاصل از عضویت در یک اتحادیه، تجارت مشترک یا نمایندگی‌های عملیاتی بین المللی نیز جاری خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از درآمدهای حاصله که قابل تخصیص به قدر السهم بابت مشارکت در فعالیتهای مشارکتی باشد.

ماده ۹

مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف: موسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب: اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه یک دولت متعاقد و موسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند.

و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو موسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن موسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از موسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای موسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو موسسه حاکم بود، عاید موسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقت‌نامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۳- در صورتی که دادرسی‌های قضایی، اداری یا هر نوع دادرسی قانونی دیگر منتهی به صدور حکم نهایی گردد که اجرای آن موجب تعدیل درآمد به موجب مقررات بند (۱) شود و یکی از مؤسسات مربوط به واسطه تقلب، تقصیر عمده یا قصور عمدی مشمول جریمه گردد، در این صورت مقررات بند (۲) اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۰

سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام، مقیم آن دولت متعاقد باشد، مالیات متعلقه از (۱۰) درصد مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد. این بند تاثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معدن، سهام موسسین یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی و نیز سایر درآمدهایی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

دفتر هیئت دولت

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور موثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵ - در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، - به‌جز تا مقداری که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا تا مقداری که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور موثر مرتبط با مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

۶ - علی‌رغم سایر مقررات این موافقت‌نامه، در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد دارای مقر دایم در دولت متعاقد دیگر باشد و منافع مقر مذکور را به دفتر مرکزی واقع در خارج از آن کشور منتقل نماید، منافع مشمول مالیات به موجب بند (۱) ماده (۷) ممکن است در آن دولت دیگر و طبق قوانین داخلی آن مشمول مالیات تکلیفی شود، اما این مالیات از (۷) درصد میزان منافع پس از کسر مالیات وضع شده بر درآمد شرکت در آن دولت دیگر تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۱۱

هزینه های مالی

۱ - هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲ - مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعهده‌ی که حاصل شده و طبق قوانین آن کشور نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه های مالی مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از (۱۰) درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳ - علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به دولت یا بانک مرکزی و سایر بانک‌هایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۴ - اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده بکار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تادیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵ - هرگاه مالک منافع هزینه های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دایم فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور موثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

دفتر هیئت دولت

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاهد محل وقوع مقر دایم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که با توجه به مطالبات دینی که بابت آن پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲

حق امتیازها

۱- حق امتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک، این حق امتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق امتیاز مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از (۱۰) درصد مبلغ ناخالص حق امتیاز تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «حق امتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم‌های سینمایی یا فیلم‌ها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش رادیویی یا تلویزیونی یا پخش ماهواره ای، کابلی، فیبر نوری یا فن آوری مشابه مورد استفاده برای پخش برنامه‌های عمومی، نوارهای مغناطیسی، لوح فشرده یا لوح‌های فشرده لیزری (نرم افزار)، هر گونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی، کشاورزی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی، کشاورزی یا علمی (دانش فنی) و همچنین کمک‌های فنی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق امتیاز، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که حق امتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاهد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق امتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور موثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۵- حق امتیاز در یک دولت متعاهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق امتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاهد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط با آن باشد که متعهد پرداخت حق امتیاز بوده و پرداخت این حق امتیازها بر عهده مقر دایم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، چنین حق امتیازی در دولتی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دایم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق امتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق امتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولت‌های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳

عواید سرمایه‌ای

- ۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.
- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر داریم موسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر داریم (به تنهایی یا همراه با کل موسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.
- ۳- عواید حاصل از نقل و انتقال کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت موثر موسسه در آن واقع است.
- ۴- عواید حاصل از نقل و انتقال سهام سرمایه شرکتی که دارایی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاقد تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاقد می‌شود.
- ۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) این ماده فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که انتقال دهنده مقیم آن است.

ماده ۱۴

خدمات شخصی مستقل

- ۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود به استثنای موارد زیر که درآمد مزبور در دولت متعاقد دیگر نیز مشمول مالیات می‌گردد:
الف: این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، یا
ب: در صورتی که اقامت شخص در دولت متعاقد دیگر در یک یا چند نوبت برابر یا بیش از (۱۸۳) روز در یک دوره (۱۲) ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد باشد، در این صورت فقط آن میزان از درآمد مزبور که از فعالیت‌های انجام شده وی در دولت متعاقد دیگر حاصل گردد مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.
- ۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

دفتر هیئت دولت

ماده ۱۵

خدمات شخصی غیر مستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹)، (۲۰) و (۲۱)، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر بسر برده است از (۱۸۳) روز، در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب: حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود، و

پ: پرداخت حق الزحمه بر عهده مقر داریم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق الزحمه پرداختی بابت استخدام در کشتی یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت موثر موسسه در آن واقع است.

ماده ۱۶

حق الزحمه مدیران و مقامات عالی رتبه مدیریتی

۱- حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیات مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- حقوق، دستمزد و سایر پرداختهای مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان مقام عالی رتبه مدیریتی شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

ماده ۱۷

هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای خود در یک دولت متعاقد کسب می‌نماید در صورتی که هزینه‌های مسافرت وی به آن کشور کلاً یا عمدتاً از محل بودجه عمومی دولت دیگر، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آن یا موسسه‌ای که به عنوان موسسه‌ای غیر انتفاعی شناخته شده باشد تامین گردد، از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد. در این صورت درآمد مزبور فقط در دولت متعاقد محل اقامت هنرمندان یا ورزشکاران مشمول مالیات خواهد بود.

دفتر هیئت دولت

ماده ۱۸

حقوق بازنشستگی و پرداختهای تامین اجتماعی

- ۱- با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹) حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
- ۲- حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابهی که توسط یک دولت متعاقد یا یکی از تقسیمات فرعی سیاسی به صورت دوره‌ای یا موردی بابت بیمه حوادث شخصی پرداخت می‌شود فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.
- ۳- علی‌رغم مقررات بند (۱) حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب قانون تامین اجتماعی یک دولت متعاقد فقط در آن دولت مشمول مالیات می‌گردد.

ماده ۱۹

خدمات دولتی

- ۱- الف: حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه پرداختی (به غیر از حقوق بازنشستگی) توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
ب: معذالک، در صورتی که خدمات در دولت متعاقد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص مقیم:
- تابع آن دولت بوده و یا
- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.
- ۲- الف: هر گونه حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی و یا مقام مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
ب: معذالک، چنانچه شخص حقیقی مقیم و تبعه آن دولت دیگر باشد، حقوق بازنشستگی مذکور فقط در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود.
- ۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه پرداختی و حقوق بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیتهای تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰

محصّلین و کارآموزان

- ۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست بسر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.
- ۲- علاوه بر آن در مورد کمک هزینه‌ها، بورس‌های تحصیلی و حق الزحمه‌های پرداختی بابت اشتغال که شامل بند (۱) نباشد، محصل یا کارآموز موصوف در بند (۱) در طول مدت این تحصیل یا کارآموزی، از معافیت‌ها، بخشودگی‌ها یا تخفیفات مالیاتی یکسان با مقیمین دولتی که در آن حضور دارد بهره‌مند خواهد شد.

ماده ۲۱

مدرسين و محققين

- ۱- هر شخص حقیقی که به دعوت یک دولت متعاقد، دانشگاه، نهاد آموزشی یا هر موسسه فرهنگی غیر انتفاعی دیگر آن دولت، در اجرای برنامه مبادله فرهنگی و صرفاً به منظور تدریس، ارابه کنفرانس یا انجام تحقیقات در آن موسسه برای دوره ای که از دو سال تجاوز ننماید در کشور مذکور حضور یابد و بلافاصله قبل از حضور، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد، از مالیات بر حق الزحمه دریافتی بابت این فعالیتها در دولت متعاقد نخست معاف خواهد بود. مشروط بر اینکه این حق الزحمه ها از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.
- ۲- مقررات بند (۱) در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و موسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند مجری نخواهد بود.

ماده ۲۲

سایر درآمدها

- ۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هرکجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
- ۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده این درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقر دایم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) و (۱۴) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۳

آئین حذف مالیات مضاعف

- ۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد، مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک، اینگونه کسورات نباید از میزان مالیات بر درآمدی که در آن دولت دیگر پیش از کسر به آن درآمد تعلق می گرفته، بیشتر باشد.
- ۲- در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴

عدم تبعیض

- ۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگینتر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط، به ویژه در خصوص اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

دفتر هیئت دولت

۲- اشخاص بدون تابعیتی که مقیم یک دولت متعاقد می‌باشند در هر یک از دو دولت متعاقد مشمول هیچگونه مالیات یا الزاماتی مربوط به آن که سنگینتر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که اتباع آن دولت تحت همان شرایط، به ویژه در مورد اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود.

۳- مالیاتی که از مقر دایم موسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات موسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط موسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن موسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- موسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگینتر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر موسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۶- در هیچ صورتی چنین تلقی نخواهد شد که مقررات این ماده مانع دولتهای متعاقد در موارد زیر باشد:

- وضع مالیات موضوع بند (۶) ماده (۱۰)

- اعمال مقررات قانون داخلی یکسان در مورد سرمایه گذاری رقیق و قیمت‌گذاری انتقالات برای شرکت‌های خارجی.

۷- علی‌رغم مقررات ماده (۲)، مقررات این ماده در مورد هر نوع مالیات با هر تعریفی مجری خواهد بود.

ماده ۲۵

آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقت‌نامه نمی‌باشد، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین داخلی دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقت‌نامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقت‌نامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافق حاصله علی‌رغم محدودیت‌های زمانی موجود در قانون داخلی دولتهای متعاقد به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقت‌نامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند. آنها همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقت‌نامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار یا مشورت یکدیگر، آیین‌ها، شرایط، روش‌ها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دو جانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده ۲۶

تبادل اطلاعات

- ۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقت‌نامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولت‌های متعاهد غیر مغایر با این موافقت‌نامه را که مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه باشد، مبادله خواهند کرد. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات بدست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد، و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاه‌ها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاه‌ها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.
- ۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:
 - الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.
 - ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.
 - پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷

اعضای هیات‌های نمایندگی و ماموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقت‌نامه بر امتیازات مالی اعضای هیات‌های نمایندگی و ماموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقت‌نامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸

لازم الاجرا شدن

- ۱- دولت‌های متعاهد طبق قوانین و مقررات خود این موافقت‌نامه را تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.
- ۲- این موافقت‌نامه با مبادله اسناد تصویب، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن به شرح زیر به مورد اجرا گذارده خواهد شد
 - الف: در مورد مالیات‌های تکلیفی:
 - در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبالغ حاصل از اول فروردین (مطابق با ۲۱ مارس) یا پس از آن در سال تقویمی، متعاقب سالی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجرا می‌گردد،
 - در مغرب نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار منظور شده از اول ژانویه (مطابق با ۱۱ دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجرا می‌گردد.

دفتر هیئت دولت

ب: در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد:

- در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مالیات‌های متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول فروردین (مطابق با ۲۱ مارس) یا پس از آن در سال تقویمی، متعاقب سالی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجرا می‌گردد، شروع می‌شود.
- در مغرب نسبت به هر سال یا دوره مالیاتی که از اول ژانویه (مطابق با ۱۱ دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجرا می‌گردد، شروع می‌شود.

ماده ۲۹

فسخ

این موافقت‌نامه تا زمانی که توسط یک دولت متعهد فسخ نشده لازم‌الاجرا خواهد بود. هریک از دولت‌های متعهد می‌تواند این موافقت‌نامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارایه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج‌ساله از تاریخی که موافقت‌نامه لازم‌الاجرا می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقت‌نامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف: در مورد مالیات‌های تکلیفی:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مبالغ حاصل از اول فروردین (مطابق با ۲۱ مارس) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است.
 - در مغرب، نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار منظور شده از اول ژانویه (مطابق با ۱۱ دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است.
- ب: در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مالیات‌های متعلقه در هر دوره مالیاتی که از اول فروردین (مطابق با ۲۱ مارس) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است، شروع می‌شود.
- در مغرب، برای هر سال یا دوره مالیاتی که از اول ژانویه (مطابق با ۱۱ دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت مزبور تسلیم شده است، شروع می‌شود.

در تایید مراتب فوق امضاکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می‌باشند، این موافقت‌نامه را امضا نمودند.

این موافقت‌نامه در تهران در دو نسخه در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۶ هجری شمسی برابر با ۲۰۰۸/۲/۲۵ میلادی به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسوی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون از اعتبار یکسان برخوردار می‌باشند. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت

پادشاهی مغرب

دکتر عبداللطیف معزوز

وزیر تجارت خارجی

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

دکتر سید مسعود میر کاظمی

وزیر بازرگانی

دفتر هیئت دولت